

فهرست مطالب

پونک.....	۹۳	پیشگفتار.....	۹
ت		مقدمه.....	۱۱
تجریش یا طجرت.....	۹۷	توسعه دارالخلافه تهران.....	۱۸
تیغستان.....	۱۰۸	پنج محله اصلی تهران عبارت بود از.....	۲۲
ج		محله چال میدان.....	۲۲
جعفرآباد جنوب تهران.....	۱۱۱	محله سنگلج.....	۲۸
جعفرآباد.....	۱۱۱	محله عودلجان.....	۳۵
جلایه یا نصرت آباد.....	۱۱۵	محله بازار.....	۳۹
جماران.....	۱۱۸	محله دولت.....	۴۶
جمال آباد.....	۱۱۹	الف	
جمشیدآباد یا جمشديه.....	۱۲۰	آجودانیه.....	۵۱
جوادیه.....	۱۲۲	احتسابیه.....	۵۳
جی.....	۱۲۴	اختیاریه.....	۵۵
چ		اختیاریه.....	۵۷
چال هرز.....	۱۲۵	ازگل.....	۵۸
چیزر یا شیزر.....	۱۲۹	اسدآباد.....	۶۰
ح		اسفندیاری - اسفندیاریه.....	۶۱
حدیقه یا حدیقه الرحمن، رحمت آباد، وجهیه.....	۱۳۴	اقدسیه - حصار ملا.....	۶۲
حسین آباد.....	۱۳۴	اکبرآباد امامزاده معصوم.....	۶۴
حشمتیه.....	۱۳۵	اکبرآباد شمیران.....	۶۵
حصار بوعلی.....	۱۳۵	اکبرآباد دولاب.....	۶۵
خ		الهیه یا خلا زیر (خور آذین).....	۶۵
خانی آباد.....	۱۳۹	امامزاده حسن.....	۶۹
خوردین.....	۱۴۰	امامزاده قاسم (قریه) یا دیزج علیا.....	۷۰
د		امامیه - چاهک - حکیمیه.....	۷۶
دارآباد - شاه آباد.....	۱۴۱	امانیه یا گنج آباد.....	۷۸
داوودیه - ارغوانیه - رغونیه.....	۱۴۳	امیر آباد.....	۷۹
دربند.....	۱۵۰	اوین.....	۸۱
دروس.....	۱۵۴	ب	
دزآشوب - دزآشوب.....	۱۵۹	باغ فیض.....	۸۵
دولاب.....	۱۶۶	بریانک یا بیرونک.....	۸۷
ر		بهجت آباد.....	۸۸
رستم آباد.....	۱۷۱	پ	
		پل رومی.....	۹۲

۲۵۱	قلهک
۲۵۵	قیطریه
	ک
۲۶۰	کاشانک
۲۶۱	کاظم آباد
۲۶۱	کامرانیه
۲۶۵	کن سولقان
	ل
۲۷۰	لوپزان
	م
۲۷۳	مبارک آباد
۲۷۴	مجیدآباد
۲۷۵	مجیدیه
۲۷۶	محمودآباد
۲۷۶	محمودیه یا عباسیه
۲۷۹	مراد آباد
۲۷۹	مرغ محله
۲۸۰	مفت آباد
۲۸۱	منظریه
۲۸۲	مهدی آباد
۲۸۳	مهرآباد
۲۸۴	مهران
	ن
۲۸۵	نارمک یا نرمق
۲۸۶	نازآباد - نازی آباد
۲۸۹	نجف آباد
۲۹۱	نظام آباد
۲۹۲	نعمت آباد
۲۹۲	نیاوران - کردوی
	و
۳۰۱	وصفانرد (وسفنارد)
۳۰۱	ولنجک
۳۰۳	ونک
	ه
۳۰۵	هاشم آباد
	ی
۳۰۶	یافت آباد

	ز
۱۷۵	زرگنده
۱۸۳	زعفرانیه
	س
۱۸۴	سرخه حصار - سرخ حصار
۱۹۰	سعدآباد یا تپه‌ی علی خان
۱۹۵	سلطنت آباد - حصاررضابیک
۲۰۳	سلیمانیه یا اصفهانک
۲۰۵	سوهانک
۲۰۹	سید خندان
۲۰۹	محله سرچشمه
۲۱۰	محله دباغ خانه
۲۱۱	محله‌ی سادات
	ش
۲۱۲	شمس آباد
۲۱۲	شیان
	ض
۲۱۶	ضرابخانه
	ط
۲۲۰	طرشت - درشت - دوریست
	ع
۲۲۳	عباس آباد
۲۲۶	عشرت آباد
۲۳۰	عیش آباد
۲۳۱	علی آباد مجدالدوله
۲۳۲	محله عربها
	ف
۲۳۳	فرح آباد
۲۳۴	فرمانیه
۲۳۶	فره زاد - فرزاد - فرحزاد
۲۳۸	فیروزآباد
	ق
۲۴۰	قاسم آباد
۲۴۱	قزل قلعه
۲۴۲	قصر فیروزه
۲۴۳	قصر قاجار - قصر قجر - خرم دره
۲۵۱	قلعه مرغی

۳۳۸..... خیابان حاج سقا باشی
 ۳۳۸..... خیابان دهخدا
 ۳۳۹..... خیابان سر پل امیر بهادر
 ۳۴۰..... خیابان سرآب وزیر
 ۳۴۱..... خیابان صفی علیشاه، خیابان خانقاه، کوچه صفی
 ۳۴۲..... خانقاه صفی علیشاه
 ۳۴۳..... خیابان عبرت
 ۳۴۴..... خیابان علاء الدوله
 ۳۴۷..... خیابان غار
 ۳۴۷..... خیابان فرهنگ
 ۳۴۸..... خیابان کاشف السلطنه
 ۳۴۸..... خیابان لختی
 ۳۵۰..... خیابان مختاری
 ۳۵۱..... خیابان مریضخانه
 ۳۵۲..... خیابان ملل متحد
 ۳۵۲..... خیابان ناصریه
 ۳۵۴..... خیابان ناظم الاطباء
 ۳۵۵..... خیابان نایب السلطنه
 ۳۵۶..... خیابان و محله‌ی فخرآباد
 ۳۵۸..... خیابان وحدت
 ۳۵۸..... خیابان وحید دستگردی
 ۳۵۹..... خیابان وصال شیرازی
 ۳۵۹..... خیابان، چرچیل، استالین، روزولت
 ۳۶۰..... درخانگاه
 ۳۶۱..... سیزه میدان
 ۳۶۳..... سر قبر آقا
 ۳۶۵..... صابون پزخانه
 ۳۶۶..... خیابان صوراسرافیل
 ۳۶۸..... فیشرآباد
 ۳۶۸..... کوچه سید اسماعیل
 ۳۷۰..... کوچه آبشار
 ۳۷۰..... کوچه آرامنه
 ۳۷۱..... کوچه افشارها
 ۳۷۲..... کوچه امامزاده زید
 ۳۷۴..... کوچه امامزاده یحیی
 ۳۷۶..... کوچه امامزاده
 ۳۷۸..... کوچه امین دربار

۳۰۸..... یخشی آباد یا یاغچی آباد
 ۳۰۸..... یوسف آباد
 ۳۱۲..... آب سردار
 ۳۱۲..... آب کرج
 ۳۱۵..... بازار بین الحرمین
 ۳۱۶..... بازارچه صاحب جمع
 ۳۱۷..... بازارچه‌ی کربلایی عباسعلی
 ۳۱۷..... باغ خزانه
 ۳۱۸..... باغ صبا
 ۳۱۸..... باغ فردوس - باغ جنت
 ۳۱۹..... بازارچه‌ی دوقلو
 ۳۲۰..... باغ پسته بیگ
 ۳۲۱..... بازارچه‌ی زعفران باجی
 ۳۲۲..... پارک امین الدوله
 ۳۲۳..... پل چوبی
 ۳۲۳..... تیر دوقلو
 ۳۲۴..... جوانمرد قصاب
 ۳۲۵..... چهار راه کنت
 ۳۲۶..... چهارسوق
 ۳۲۷..... حاجب الدوله
 ۳۲۷..... خیابان ادیب الممالک
 ۳۲۷..... خیابان استخر
 ۳۲۸..... خیابان اسماعیل بزاز
 ۳۲۸..... خیابان آقا شیخ هادی
 ۳۲۹..... خیابان الماسیه
 ۳۳۱..... خیابان امیریه
 ۳۳۱..... خیابان انبار گندم
 ۳۳۱..... خیابان باغ سیهسالار
 ۳۳۲..... خیابان بهار
 ۳۳۳..... خیابان بوذرجمهری
 ۳۳۳..... خیابان پاستور
 ۳۳۴..... خیابان جبه خانه
 ۳۳۶..... خیابان جلیل آباد
 ۳۳۶..... خیابان چراغ گاز
 ۳۳۷..... خیابان چراغ برق - امیر کبیر
 ۳۳۷..... خیابان گوگل
 ۳۳۸..... خیابان میر محله

- ۳۹۷..... کوچه مشاور
 ۳۹۷..... کوچه مشیرمعظم
 ۳۹۸..... کوچه معیر
 ۳۹۸..... کوچه منصورالحکماء
 ۳۹۸..... کوچه میرزا عمو
 ۳۹۹..... کوچه میرزا محمود وزیر
 ۳۹۹..... کوچه نصیرالدوله
 ۳۹۹..... کوچه نظامیه
 ۴۰۰..... کوچه هاتف
 ۴۰۱..... کوچه هفت تن
 ۴۰۱..... کوچه و سقاخانه نوروز خان
 ۴۰۲..... گار راه آهن
 ۴۰۳..... گذار منوچهرخان
 ۴۰۴..... گذر حاج شیخ فضل الله
 ۴۰۵..... گذر فیلیخانه
 ۴۰۶..... گذر لوطی صالح
 ۴۰۸..... گذر و کوچه مستوفی
 ۴۰۸..... گلوندک
 ۴۰۸..... گمرک
 ۴۱۰..... لاله زار
 ۴۱۵..... محله‌ی آب منگل و شتر گلو
 ۴۱۶..... سه راه شتر گلو
 ۴۱۶..... کوچه و محله‌ی مروی
 ۴۱۷..... میدان ارگ
 ۴۱۹..... میدان بهارستان
 ۴۲۱..... میدان پاقاپوق
 ۴۲۲..... میدان توپخانه
 ۴۲۴..... میدان خراسان
 ۴۲۴..... میدان کهنه چینها
 ۴۲۵..... میدان مال فروش ها
 ۴۲۶..... میدان مشق
 ۴۲۸..... میدان و محله‌ی تسلیحات
 ۴۲۹..... چهارراه امیراکرم
 ۴۲۹..... خیابان پامنار
 ۴۳۱..... منابع
 ۴۳۳..... البوم عکس
 ۳۷۸..... کوچه برسیابه
 ۳۷۹..... کوچه بصیرالملک
 ۳۷۹..... کوچه بهاء الدوله
 ۳۸۰..... کوچه پشت بدنه
 ۳۸۰..... کوچه تخت زمرد
 ۳۸۰..... کوچه تکیه دولت
 ۳۸۳..... کوچه تلگرافخانه
 ۳۸۳..... علیقلی خان هدایت
 ۳۸۴..... میدان و چهارراه مخابراتالدوله
 ۳۸۵..... کوچه جلال الدوله
 ۳۸۵..... چاله حصار
 ۳۸۶..... کوچه چهل تن
 ۳۸۶..... کوچه حسام السلطنه
 ۳۸۶..... کوچه دردار
 ۳۸۷..... کوچه سراج الملک
 ۳۸۷..... کوچه سرتون
 ۳۸۸..... کوچه سقاخانه آیینه (ظهیرالسلام)
 ۳۸۸..... کوچه سیاح
 ۳۸۸..... کوچه سیاه‌ها
 ۳۸۸..... کوچه سید ولی
 ۳۸۹..... کوچه سیف الدین
 ۳۹۰..... کوچه سیف الملک
 ۳۹۰..... کوچه شاملو
 ۳۹۰..... کوچه شترداران
 ۳۹۱..... کوچه شجاعت
 ۳۹۲..... کوچه شریف الدوله
 ۳۹۳..... کوچه شقاقی
 ۳۹۳..... کوچه شهاب الدوله
 ۳۹۳..... کوچه صاحب دیوان
 ۳۹۳..... کوچه عشقی
 ۳۹۴..... کوچه عین الملک
 ۳۹۴..... کوچه فخررازی
 ۳۹۵..... کوچه گود زنبورکخانه
 ۳۹۶..... کوچه مجدالدوله
 ۳۹۷..... کوچه محتشم
 ۳۹۷..... کوچه مرده شور خانه

پیشگفتار

کمت‌ر کسی می‌تواند باور کند تهران که امروز از نظر وسعت و جمعیت یک کلان‌شهر و یکی از بزرگ‌ترین شهرها و دارای عنوان یکی از آلوده‌ترین آب و هوا در جهان است روزی به دلیل آب و هوای خوش در دامنه البرز و سرسبزی درختان و باغ‌های فراوان آب‌های جاری و شکارگاه‌های بسیار مورد توجه قرار گرفت و بعدها بعنوان پایتخت ایران معرفی شد.

آنچه از سفرنامه‌های سیاحان که در آن زمان به تهران آمده‌اند در سفرنامه‌های خود تصریح کرده‌اند که وقتی از دروازه شمیران وارد شهر شدند پس از عبور از زمینهای بایر مدت زیادی از میان باغ‌های مختلف مخصوصاً باغهای انار و پسته گذشته‌اند تا به مرکز جمعیت رسیده‌اند چنارهای سبز و بلند که هر سیاح و توریستی را جذب خود میکرد و اغلب آنان از تنومندی، بزرگی و سرسبزی این درختان در خاطرات و سفرنامه‌هایشان نوشته‌اند و گاهی تهران را شهر چنارهای بلند و باغ‌های پسته و انار نامیده‌اند.

می‌توان گفت که محله چاله میدان اطراف امامزاده یحیی و پیرامون امامزاده سید اسماعیل محل اصلی تمرکز جمعیت تهران پیش از کشیدن حصار بوده است.

در تهران قدیم تعداد بسیار بقعه و امامزاده و مزار وجود داشته که غالباً زیارتگاه و محل اجتماعات عمومی و قبرستان بودند. وقتی که حصار کشیده شد بیشتر آن بقاع در داخل حصار واقع شدند که تعداد این امامزاده‌ها بیش از چهارده بقعه در داخل حصار بوده است که به نام امامزاده یحیی، امامزاده محمد، امامزاده زید، امامزاده سید اسماعیل، امامزاده سید نصرالدین، امامزاده سید ولی، بقعه هفت تن، امامزاده اسحاق، بقعه هفت دختران، بقعه پیر عطا، امامزاده روح‌الله، امامزاده غیبی و امامزاده ابراهیم بوده‌اند.

عده زیادی از مردم ری بعد از تهاجم افغانه به سمت تهران گریختند و در کنار این امامزاده‌گان سکنی گزیدند. وجود قبرستان‌ها در کنار این بقاع نشان‌گر اهمیت مردم و محل زندگی آنان در نزدیکی آنجاست و کم‌کم سقاخانه‌ها، مساجد، تکیه‌ها... و ساختمان‌های دولتی و عمومی در این محله‌ها ساخته شد و هسته اولیه شهر تهران را بوجود آورد. از این مکان که امروزه در محله دوازده شهرداری تهران واقع گردیده را می‌توان نقطه عطف زندگی اجتماعی مردم تهران نام برد. بیش از بیست موزه در این منطقه وجود دارد و صدها خانه، سراها، کوچه و معابر و میادین که به نام رجال قاجار نامگذاری شده که در این محله زندگی می‌کرده‌اند و یا وقایع اتفاق افتاده در این محله که بعد از بیش از صد سال هنوز با همان نامها بین مردم خوانده می‌شود. اغلب رجال قاجار در این منطقه زندگی می‌کرده‌اند و محل ییلاق و تفریح و تفرج خود را خارج از حصار شهر انتخاب می‌کردند و شروع به ساخت و فراهم کردن باغ‌هایی جهت شکار و تفریح که خارج از شهر

بوده که اغلب در منطقه یک شهرداری یعنی شمیران و اطراف آن بوده که امروزه هنوز این محلات به نام این اشخاص خوانده می شود .

روند نوگرایی که از اواخر دوره ناصرالدین شاه و بعد از آن در زمان مشروطه آغاز شده بود در دوره رضا شاه به تدریج تحقق یافت و الگوبرداری از کشورهای غربی راه رشد و توسعه شناخته شد . دولت برای نوگرایی دستگاههای خود را بهبود بخشید وزارتخانه ها و سازمانهای عمومی و ارتش تجدید سازمان شدند .

مرحله اول صنعتی شدن ایران در این دوره آغاز شد . کارخانه سیمان ، بلور سازی ، چیت سازی ، اسلحه سازی ، هواپیما سازی و کارخانه دخانیات در بیرون تهران ساخته شد . ایستگاه راه آهن در سال ۱۳۱۳ افتتاح شد . فرودگاه دوشان تپه و قلعه مرغی احداث گردید کارخانه برق تهران و مرکز تلفن خودکار در سال ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ هجری شمسی احداث شدند .

در بین سالهای ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۸ موسسات جدید آموزشی بزرگ مانند دانشگاه تهران ، کالج امریکایی ، دانشسرای عالی ساخته شد و بیمارستان های شماره ۱ و ۲ ارتش و بیمارستان هزار تختخوابی و بیمارستان فیروزآبادی احداث گردید . ورزشگاه امجدیه ، موزه ایران باستان ، کتابخانه ملی در همین سالها تاسیس شد . در همان سالها تعدادی سینما ، کافه ، هتل ، رستوران پدید آمد و به علت ورود اتومبیل و اتوبوس خیابانهای سنگفرش آسفالت شدند و ساختمانهای جدید با معماری نوین غربی چهره شهر را دگرگون کردند و تهران به شکل یک شهر جدید درآمد .

همپای گسترش شهر تهران که با تخریب دروازه ها و پر کردن خندق ها و برداشتن سایر آثار و برج و باروهای قدیم همراه بود تهران به تدریج هویت گذشته خود را از دست داد و در مسیر تازه اش پیش رفت .

هر روز راهی گشوده می شد و خیابان جدیدی احداث می گردید در این دوره خرابی خانه ها و مغازه های مردم و ویرانی بعضی از آثار قدیمی شهر امری عادی بود . به زودی دروازه ها خراب شدند و به دنبال آن دیوار و سر در ارگ سلطنتی . علاوه بر اینها عمارت خوابگاه ناصرالدین شاه به وزارت مالیه ، پارک اتابک به سفارت شوروی ، پارک ضل السلطان به وزارت معارف و عمارت امیریه کامران میرزا به دانشگاه افسری تبدیل شد .

روز هجدهم خرداد ۱۳۰۸ واگنهای اسبی از خیابانهای تهران بر چیده شدند و در واقع خطوط آنها حین تسطیح خیابانها زیر خاک مدفون گردید و کم کم تهران هویت اصلی و قدیمی خودش را همچون همان ریل های سرد آهنی در زیر زمین به خاک سپرد و از دست داد . ولی بعد از گذشت سالها نام بعضی از محلات و خیابانها یادآور اتفاقات و بانی و سازندگان آنها ست و قصه هایی شنیدنی را از آن زمان بازگو میکند

همایون عبدالرحیمی

مرداد - ۱۳۹۵

مقدمه

بنا بر نوشته‌ی تاریخ نویسان پژوهشگران درباره‌ی تهران چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تهران در گذشته از قراء ری بوده و ری که در تقاطع محورهای قم، خراسان، مازندران، قزوین، گیلان و ساوه واقع شده به سبب مرکزیت مهم سیاسی، بازرگانی، اداری و مذهبی خود از قدیم مورد نظر بوده و مدعیان همواره این مرکز سوق الجیشی را مورد تهاجم و حمله قرار می‌داده‌اند و قریه‌ی تهران به واسطه‌ی برخورداری از مفاک‌ها و حفره‌های زیرزمینی و مواضع طبیعی فراوان و دشواری نفوذ در آنها پناهگاه خوبی برای دولتمردان و دیگر اشخاص بوده که احتمالاً مورد تعقیب مدعیان قرار داشته‌اند. از سوی دیگر، کاروان‌های بزرگی که از محورهای مورد بحث عبور می‌کردند شکار سودمندی بود و اغلب مورد حمله و چپاول مردم بومی واقع می‌شد و قریه‌ی تهران در واقع کانون چپاولگران و محل اختفای اموال مسروقه بود

مردم تهران خانه‌های خود را در زیر زمین می‌ساخته‌اند و گویا این رسم در روستاهای پیرامون ری رواج داشته و منحصر به قریه‌ی تهران نبوده است. این امر به دو دلیل موجه می‌نماید: نخست گرمای شدید منطقه در فصل تابستان که کلاویخه سیاح سده‌ی هشتم بدان اشاره کرده است و دوم دفاع در برابر دشمن خارجی چنانکه از نوشته‌ی یاقوت حموی برمی‌آید:

خانه‌های ایشان را دیدم که به تمامی در زیرزمین ساخته شده است و راه عبور درهایی که به خانه‌ها می‌رسد در نهایت تاریکی و صعوبت عبور است. این کار را برای جلوگیری از تهاجم شبانه و غارت عساکر می‌کنند. و هرگاه خانه‌ها چنین نمی‌بود کسی در آنجا باقی نمی‌ماند (معجم البلدان، ۸۹۴/۲).

یاقوت حموی اولین مولفی است که درباره‌ی تهران به بحث زبان شناختی پرداخته و درباره‌ی زندگی اجتماعی مردم آن و آداب و اخلاق ایشان نکاتی شگفتی آور نقل کرده است. به نوشته‌ی او:

این لفظ عجمی است و عجم آن را با تایی منقوط تلفظ می‌نمایند زیرا طای مولف در لغت عجم نیست. باری تهران از قرای ری، و میانه‌ی این قریه و ری دو فرسخ است. از شخص صادقی از اهالی ری شنیدم که می‌گفت تهران قریه‌ی بزرگی است که بیوتات آن را زیر زمین ساخته‌اند. و هیچکس را راهی به این قریه نیست مگر خود اهل قریه بخواهند او را راه دهند و بارها به پادشاه وقت یاغی شده‌اند و پادشاه جزء مدارا به ایشان چاره نداشته. و این آبادی منقسم به دوازده محله می‌شود. اهل هر محله با محله‌ی دیگر منازعه می‌نمایند و مردم این محله به محله‌ی دیگر نمی‌روند. باغات و

بساتین زیاد دارد و همین فقره اسباب حراست اهالی و دفع دشمن از ایشان است و با وجود محروس بودن، با گاو زراعت نمی‌کنند و زراعت ایشان دستی و به مرور است. زیرا که می‌ترسند بعض از آنها دواب بعض دیگر را به غارت برند. جماعتی از اهل علم منسوب به طهران باشند (معجم البلدان، ۵۶۴/۳ به نقل از اعتمادالسلطنه، ۸۲۲).

علامه محمد قزوینی در کتاب آثار البلاد متذکر شده:

خانه‌های اهالی طهران در زیرزمین ساخته شده و به مانند لانه‌ی مورچگان است. هرگاه دشمنانی به آنان حمله ور شوند ساکنان تهران فوراً در خانه‌های زیرزمینی خود پنهان می‌شوند و همین که دشمن دور می‌شود از زیرزمین بیرون می‌آیند و بنای فساد و قتل و غارت را می‌گذارند.

ناصر نجمی درباره‌ی تهران نوشته است:

قدیمیترین سند تاریخی معتبری که نام طهران در آن برده شده المسالک و الممالک می‌باشد. این کتاب اثر ابواسحاق اصطخری است که به سال ۳۴۰ هجری قمری نگاشته شده و طی آن به تفصیل از این قریه سخن رفته.

استاد سعید نفیسی نیز در این باره توضیحاتی داده و نوشته است:

اولین باری که در کتاب‌ها به اسم طهران بر می‌خوریم به مناسبت نام یکی از فقهای ایرانی است به نام ابو عبدالله محمد بن حماد الطهرانی

شاه طهماسب در سال ۹۳۰ قمری در قزوین، که پایتخت بود، بر تخت سلطنت نشست. بزرگترین گرفتاری سلطنت او ازبکان بودند که در مشرق کشور تاخت و تاز و قتل و غارت می‌کردند. شاه طهماسب بارها برای سرکوب آنان به خراسان لشکر کشید و هر بار که در سر راه خود به تهران می‌رسید در آنجا اردو می‌زد و به استراحت و شکار و نیز زیارت حضرت عبدالعظیم و حضرت حمزه می‌پرداخت. در سال ۹۴۴ قمری که از هرات باز می‌گشت، چند روز در تهران اقامت کرد.

تهران به سبب نزدیکی به قزوین، داشتن دارو درخت بسیار، برخوردار از شکارگاههای مناسب و مخصوصاً نزدیکی به حضرت حمزه که صفویان او را نیای خود می‌دانستند توجه شاه طهماسب را جلب کرد. به قول اعتمادالسلطنه:

این شهر که الان مقر خلافت عظمی است در زمان شاه طهماسب صفوی ابن شاه اسماعیل به واسطه‌ی کثرت میاه و اشجار و مکانتی که داشت، محل توجه شده، شاه طهماسب در سنه‌ی نهصد و شصت و یک حکم کرد بارویی دور او بنا نمودند که شش هزار گام دوری او بود، و به عدد سوره

مبارکه‌ی قرانی صدو چهارده برج برای بارو قرار دادند و در هر برجی یک سوره‌ی از سوره قرآن مجید دفن کردند و چهار دروازه برای شهر ساختند و خندق دور بارو اتصال یافت به اراضی رمل زار... (همان ۸۲۸).

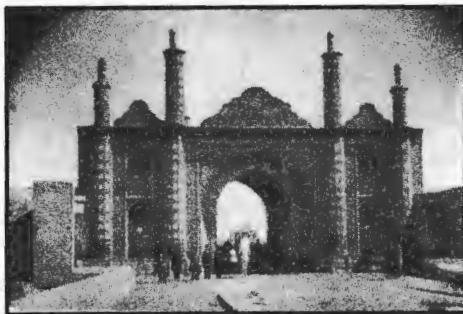
چهار دروازه که اعتمادالسلطنه بدانها اشاره کرده است عبارت بودند از:

۱ - دروازه‌ی حضرت عبدالعظیم یا دروازه‌ی شاه عبدالعظیم که در جنوب تهران آن زمان و در خیابان مولوی امروز، در محل اتصال بازار به میدان مولوی قرار داشت و این بازار را به سبب آنکه به روی جاده‌ی حضرت عبدالعظیم باز می‌شد بازار حضرتی و از آنجا که به دروازه می‌رسید بازار دروازه و خود دروازه را به دلیل آنکه به روی جاده‌ی اصفهان باز می‌شد دروازه‌ی اصفهان می‌گفتند .

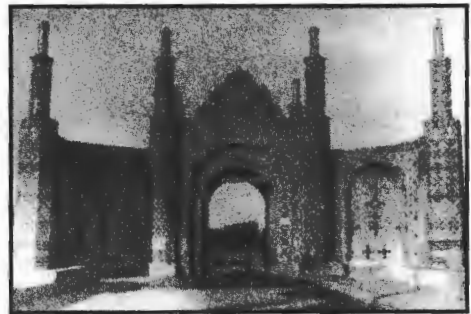
۲ - دروازه‌ی دولاب در مشرق تهران و در خیابان ری، حدود سه راه بوذرجمهری و در مدخل بازارچه‌ی نایب السلطنه واقع شده بود .

۳ - دروازه‌ی شمیران در شمال شرقی و در خیابان پامنار نرسیده به خیابان چراغ‌گاز (امیرکبیر) واقع شده بوده است .

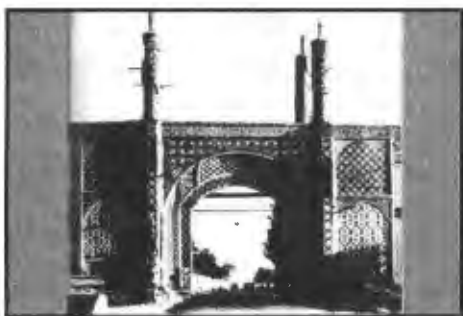
۴ - دروازه‌ی قزوین در غرب و در حدود میدان شاپور و مدخل بازارچه‌ی قوام الدوله قرار داشته است.



دروازه عبدالعظیم



دروازه شمیران



دروازه دولاب



دروازه قزوین

آنچه مسلم است بیشتر پهنی درون بارو خانه و ساختمان نداشته است، و قریب دو ثلث آنرا باغهای شهر فرا گرفته است، چنانکه پیترودولوالو سیاح معروف ایتالیایی که به سال ۱۰۲۸ هجری به زمان شاه عباس صفوی به ایران آمد، و از طهران نیز دیدن کرده، در باب آن چنین نوشته است: طهران از کاشان بزرگتر ولی تعداد نفوس سکنه‌ی آن کمتر از سکنه‌ی کاشان است. یک ثلث از زمین داخل حصار بیوتات، و در ثلث دیگر باغات است در قسمت بیوتات نیز جمیع کوچه‌های خیابان مانند درخت چنار غرس کرده‌اند و دور دایره‌ی تنه‌ی چنار به قدیست که چهار نفر که دست به هم بدهند به اشکال می‌توانند یک درخت را بغل نمود.

بعدها که ارگ ساخته شد از طرف جنوب دروازه‌ای به سمت بازار در آن تعبیه کردند، و از سمت شمال دروازه‌ای به روی بیابان که دروازه‌ی افغانه یا دروازه‌ی ارگ نامیده می‌شد و در محل کنونی میدان توپخانه قرار داشت. این دروازه بعداً دروازه‌ی دولت نام گرفت و جای آن چندبار تغییر یافت. علاوه بر این در سلطنت محمد شاه دروازه‌ای در ضلع جنوبی حصار در محل میدان اعدام به نام دروازه‌ی محمدیه احداث شد. این دروازه‌ها در نقشه‌ی ۱۲۷۵ قمری دیده می‌شوند. اعتمادالسلطنه در سبب احداث دروازه‌ی افغانه می‌نویسد:

دروازه دولت دروازه‌ی ارگ است که از بناهای افغانه می‌باشد. به این معنی که هر جا در ممالک محروسه ارگ بنا شده، افغان بنا کرده و یک طرف آن را به صحرا وصل نموده که راه گریز باشد.



دروازه دولت از بیرون شهر ۱۲۳۶ شمسی

پس از بر افتادن خاندان صفوی، افغانهای مهاجم چند گاهی در سراسر ایران به تاخت و تاز پرداختند و پس از شکست دادن طهماسب، فرزند بزرگ شاه سلطان حسین در نزدیکی شهر ری بر تهران دست یافتند و در آنجا رحل اقامت افکندند و آن شهر را به صورت پایگاه عملیات در نواحی شمالی ایران و دژی برای مقابله با فعالیتهای نظامی ایرانیان در مازندران، زنجان و آذربایجان درآوردند. اقامت افغانها در تهران پنج سال طول کشید لذا بناهایی در آنجا ساختند که دیوار گرداگرد ارگ از آن جمله است. این دیوار که تا اواسط سلطنت قاجار برپا بود، از سمت جنوب با دروازه‌ای به بازار راه داشت و از سمت شمال، در محل کنونی توپخانه، با دروازه و تخته پل رو به بیابان باز می‌شد. دروازه‌ی شمالی تا دوره‌ی محمد شاه به نام دروازه‌ی اسدالدوله شهرت داشت و در دوره‌ی ناصرالدین شاه دروازه دولت نام گرفت. رسم افغانها این بود که بر هر جا که دست می‌یافتند ارگی در آنجا می‌ساختند که یک ضلع آن حتماً در سمت صحرا واقع می‌شد و اگر ارگ مورد حمله قرار می‌گرفت و سقوط می‌کرد، افغانها از آن سمت به صحرا می‌زدند و می‌گریختند.

بعد از انقراض صفویه، نادر شاه افشار در سال ۱۱۵۴ هجری قمری تهران را به رسم تیول به پسر خود رضا قلی میرزا داد. نادر طی اقامت در تهران دست به اقداماتی زد که آوردن دسته‌ای از کلیمیها به تهران و اسکان آنان در بیرون حصار شهر از آن جمله است. تیراندازی به نادر شاه در سال ۱۱۵۴ قمری در جنگلهای مازندران اتفاق افتاد. معاندان این کار را به رضا قلی میرزا، فرزند بزرگ نادر شاه نسبت دادند. نادر که بخت از او برگشته بود و در آن سالها اختلال مشاعر داشت، فرزند خود را کیفری سخت داد. به نوشته‌ی لرد کرزن:

در اینجا (تهران) بود که نادر شاه هنگام بازگشت از هندوستان تمام علماء و مجتهدان را فرا خواند تا در مذهب ملی جدید اقدام نماید. او فرزند خود، رضا قلی خان، را در آنجا کور کرد و سپس در همانجا آن بیچاره‌ی تیربخت را نابود کردند (ایران و قضیه‌ی ایران، ۴۰۰/۱). با کور شدن او و کشته شدن نادر کار سلسله‌ی افشار به هرج و مرج انجامید و از بین رفت. پس از افشاریه، کریم خان زند به علت درگیری و نزاع با آغا محمد خان قاجار و از آنجا که تهران در نزدیکی طبرستان (یعنی مقر اصلی آغا محمد خان) قرار داشت صلاح خود را در اقامت در تهران دید و از آن پس تهران به صورت مرکز عملیات سپاه کریم خان درآمد و اقداماتی نیز برای عمران و آبادی آن انجام داد.

اعتمادالسلطنه درباره‌ی اقدامات کریم خان در تهران نوشته است:

در تابستان هزار و صد و هفتاد و سه به واسطه‌ی بدی هوای تهران، کریم خان به شمیران رفته و حکم کرد در غیبت او بنای عمارت سلطنتی و دیوانخانه‌ی بزرگ و باغ جنب دیوانخانه و یک دست حرمخانه در تهران بنا کردند و اوایل زمستان که این عمارات تمام شده از شمیران کریم خان به شهر مراجعت نمود. وی در تعمیرات و آبادی شهر جدی داشت و می‌خواست تهران را پایتخت خود قرار دهد.

بعد از مرگ کریمخان زند، آغا محمد خان قاجار در سال ۱۱۹۳ هجری قمری به اتفاق تعدادی از بستگان خود از شیراز گریخت و به جوار حضرت عبدالعظیم آمد تا از آنجا خود را به ایلات عرب ساکن در ورامین که حامیان عمده اش بودند برساند. آغا محمد خان، پس از زد و خوردهایی با غفورخان حاکم تهران سرانجام این شهر را در اختیار گرفت و می‌توانست کار تصرف نقاط دیگر را آغاز کند. اما پیش از آن لازم بود که کار خود را قانونی کند و به رفتار خویش حالت رسمی بدهد لذا در:

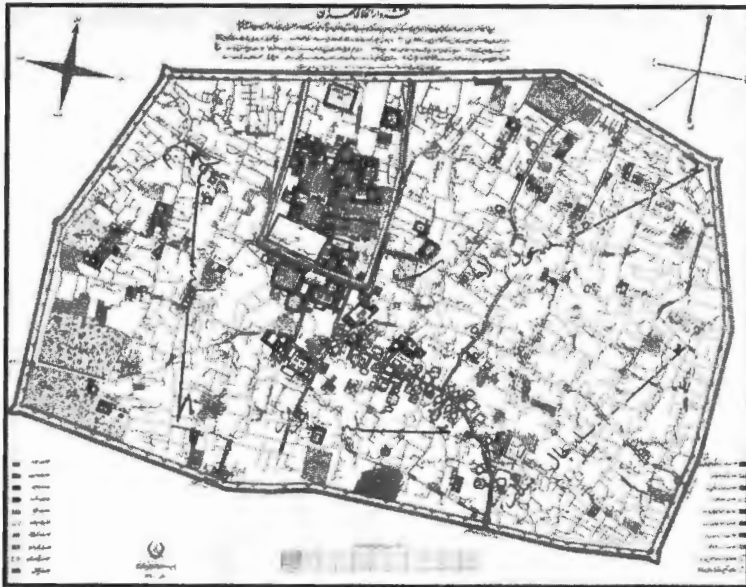
روز یکشنبه یازدهم جمادی الثانی سال ۱۲۰۰ هجری قمری که مصادف با روز اول فروردین بود، در تالاری که توسط کریمخان ایجاد و وی یکبار به عنوان اسیر در آن به خدمت کریمخان رسیده بود بر تخت سلطنت ایران نشست و قاسم خان دولو را با صد نفر تفنگچی به کوتوالی (فرمانداری) تهران گماشت و قاسم خان به عنوان اولین فرماندهی پادگان تهران مسئولیت مراقبت از آن را به عهده گرفت.

آغا محمد خان قاجار بعد از رسیدن به قدرت، چون افکار و اندیشه‌های دور و درازی در سر داشت و طالب مقام خلافت بر مسلمانان بود، به سبک خلفای اسلامی دستور داد به نامش سکه بزنند و خطبه بخوانند و تهران را نیز که به عنوان پایتخت خود برگزیده بود دارالخلافه نامید.

یکی از تصمیمات مناسب سیاسی، نظامی آغا محمد خان در آن زمان، تعیین تهران به پایتختی بود. پیش از این دیدیم که تهران به سبب برخورداری از موقعیت سوق الجیشی ویژه مورد توجه

شاه طهماسب صفوی قرار گرفت و جانشین او از این شهر دژ، همچون پادگانی نظامی و تبعیدگاهی سیاسی استفاده کردند. نادر شاه هم چند گاهی در آنجا گذراند و کریم خان به دلیل مصلحت مملکتی در آنجا رحل اقامت افکند و حتی قصد داشت که آنجا را پایتخت کند. اما بعد از این فکر انصراف یافت و آغا محمد خان بر آن جامه‌ی تحقق پوشاند. البته تهران از لحاظ آب و هوا و حتی استعداد گسترش یابی به هیچ وجه اقامتگاه مناسبی نبود و از مجموع نوشته‌های مورخان و نویسندگان آن زمان برمی آید که فقط موقع جغرافیایی شهر به لحاظ نظامی اهمیت داشته است. تهران، در سر راه شرق، شمال، غرب و جنوب کشور قرار داشت و صورت یک چهار راه جغرافیایی و نظامی را پیدا کرده بود. آغا محمد خان به سائقه‌ی نبوغ نظامی خود خیلی زود اهمیت سوق الجیشی تهران را دریافت.

هنگامی که آغا محمد خان در تهران مستقر شد جمعیت شهر با افراد دربار و سپاه جمعاً پانزده هزار نفر بوده است که اگر رقم درباریان و سربازان از آن کاسته شود جمعاً در حدود دوازده هزار نفر باقی می‌ماند. این رقم در دوره‌ی فتحعلی شاه به پنجاه هزار نفر رسید و در اواسط دوره‌ی ناصرالدین شاه به صد و پنجاه هزار نفر افزایش یافت که بیش از دوازده برابر رقم جمعیت شهر در دوره‌ی آغامحمد خان بوده است. از مقایسه‌ی این دو رقم می‌توان دریافت که در زمان آغا محمد خان قسمت عمده‌ی زمینهای داخل حصار به صورت باغ و یا زمین بایر بوده است که به تدریج توسط کسانی که بعدها اندک اندک در تهران سکنی گزیدند به خانه و بازار تبدیل شد.



نقشه دارالخلافه تهران

توسعه دارالخلافه تهران:

تهران چنانکه گذشت به توالی ایام و شهور رو به توسعه و آبادی می‌رفت، و بر تعداد بناها افزوده می‌شد و شماره‌ی ساکنانش همچنان افزودنی می‌یافت، ناصرالدین شاه چاره‌ی کار را در توسعه شهر دید، و قرار بر آن نهاد که از سوی دروازه شمیران (در مدخل پامنار) یکهزار و هشتصد ذرع، و از هر یک سه سوی دیگر یکهزار ذرع شهر را وسعت دهند و کفالت این مهم را بعهده‌ی مستوفی الممالک صدراعظم و میرزا عیسی وزیر موکل کردند، و چند تن مهندس را مامور ساختند تا طول و عرض خندق را معین کنند.



کلنگ توسعه تهران در زمان ناصرالدین شاه



مراسم کلنگ زنی توسعه تهران با حضور ناصرالدین شاه

روز یکشنبه یازدهم شعبان ۱۲۸۴ بیرون شهر محاذی دروازه‌ی دولت سرا پرده‌ی شاهی بر افراشتند، و گروهی از رجال در آنجا گرد آمدند، و شاه در موقعی که خندق را طرح ریخته بودند کلنگی که از نقره بود بدست گرفت و بر زمین زد، و کار در این لحظه آغاز گردید، وزیر دارالخلافه متعهد شد که سه سال کار را به پایان برد، و دروازه دروازه برای شهر مقدر داشتند و هم در این روز شهر تهران را دارالخلافه ناصری نام کردند، تمام برج و بارو و استحکامات دفاعی سابق را خراب و خندق را پر کردند، محیط شهر از سه کیلومتر به حدود ۱۹ کیلومتر رسانیدند و خندق جدید به صورت هندسی ساخته و تعداد دروازه‌ها به دوازده رسید

الف. در شمال: ۱ - دروازه‌ی یوسف آباد

۲ - دروازه‌ی دولت

ب. در شمال شرقی: ۳ - دروازه‌ی شمیران

ج. در مشرق: ۴ - دوشان تپه

۵ - دروازه‌ی دولاب

۶ - دروازه‌ی خراسان

۷ - دروازه‌ی راه آهن

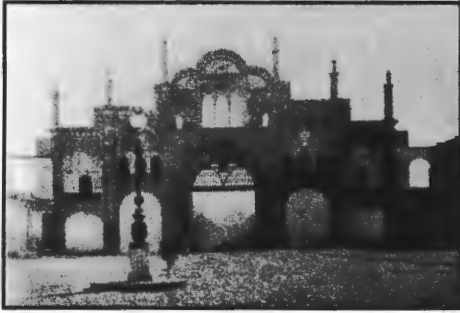
۸ - دروازه ی حضرت عبدالعظیم د. در جنوب:

۹ - دروازه ی غار

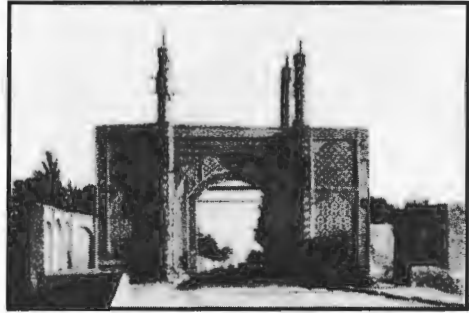
۱۰ - دروازه ی خانی آباد

۱۱ - دروازه ی گمرک ه. در مغرب:

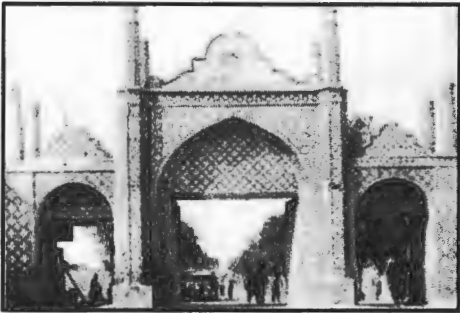
۱۲ - دروازه ی قزوین



دروازه دولت قدیم دهه ۱۲۶۰ شمسی



دروازه یوسف آباد ۱۲۴۱ شمسی



دروازه دوشان تپه



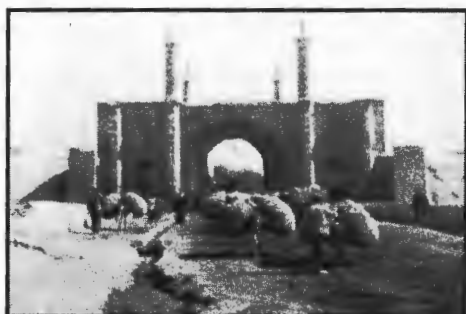
دروازه شمیران



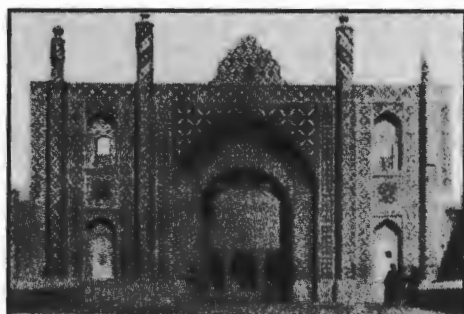
دروازه شاه عبدالعظیم



دروازه خراسان



دروازه خانی آباد



دروازه غار



دروازه قزوین



دروازه گرمک - ۱۳۲۵ قمی

به این ترتیب حصار شهر که تا آن هنگام تقریباً از خیابانهای مریضخانه، چراغ گاز، ری، مولوی و شاپور می‌گذشت تا حد خیابانهای شاهرضا (انقلاب)، ۱۷ شهریور، شوش، نظامی (کارگر) گسترش یافت. اما دیری نپایید که این محدوده هم کفاف جمعیت روزافزون تهران را نمی‌داد و ناصرالدین

شاه دوباره به فکر گسترش حصار شهر افتاد چنانکه از نوشته‌ی اعتمادالسلطنه در وقایع ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۰۹ بر می‌آید:

صبح که به حضور همایون رفتم، مخبرالدوله و نایب السلطنه و جمعی را خدمت شاه دیدم. شهر طهران را می‌خواهند از طرف شمال بزرگ کنند، عشرت آباد را داخل شهر نمایند (روزنامه‌ی خاطرات، ۷۷۸).

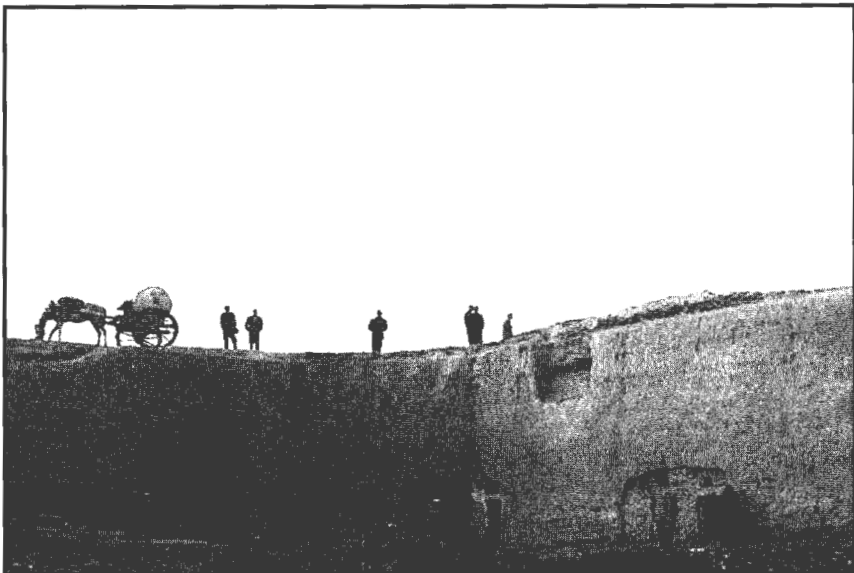
پنج محله‌ی اصلی تهران عبارت بود از:

محله‌ی چال میدان

قدیمترین محله‌ی تهران محله‌ی چال میدان یا چاله میدان است که در قسمت جنوب شرقی محصوره‌ی شهر تهران جای داشته و حدود آن طبق نقشه‌ی ۱۲۷۵ قمری به شرح زیر است:

شمال آن به محله‌ی عودلاجان محدود بود. از گذار حمام نواب در سمت جنوب شروع می‌شد و در سمت شمال به امامزاده یحیی می‌رسید. این حد پس از عبور از زیر سرچنک بزرگ به تکیه‌ی سربولک می‌رسید و از آنجا به کاروانسرای احمدکور ختم می‌شد. عودلاجان در محلی به نام کاروانسرای سلیمان خان به بازار متصل می‌شد.

شرق محله به خندق و حصار شهر وصل بود. این خندق و حصار بعدها ویران شد و خیابانی در جای آن احداث گردید که همان خیابان ری (از سرچشمه تا میدان شوش) است.



الونک نشینان در خندق

جنوب محله، از منتهی الیه جنوب شرقی در حدود میدان مولوی فعلی تا دروازه‌ی شاهزاده عبدالعظیم در انتهای بازار حضرتی وصل به باروی شهر بود.

غرب محله از دروازه‌ی شاهزاده عبدالعظیم (محل کنونی خروجی بازار به خیابان مولوی) آغاز می‌شد و رو به سمت شمال در کنار بازار امتداد می‌یافت و کاروانسراهای محله‌ی بازار را در بر می‌گرفت و منتهی الیه شمال غربی به کاروانسرای سلیمان خان ختم می‌شد.

وجه تسمیه:

تا آنجا که دانسته شده است اول کسی که درباره‌ی علت نامیده شدن این محله به چال میدان اظهار نظر کرده است محمد حسن اعتمادالسلطنه است. که ضمن توضیح داستان ساخته شدن حصار طهماسبی می‌نویسد: خندق دور بارو اتصال یافت به اراضی رمل زار، و چون خاک خندق کفایت ساختن قلعه و برج را نمود از دو چال خاک برداشتند: چال میدان و چال حصار. از همان وقت این دو محل به این دو اسم موسوم شد (مرات البلدان، ۸۲۸).

حجت بلاغی درباره‌ی محله‌ی چال میدان می‌نویسد:

چال میدان از محلات مشهور تهران واقع میان سر پولک و میدان سر قبراآقا بود. چون مرحوم حاج ملا جعفر چال میدانی از علمای طراز اول ایران در این محله و میدان اقامت داشت مراسم سینه زنی و عزاداری در این محل با شور و هیجان خاص برگزار می‌شد (تاریخ تهران ۱۸۷/۲).

مشخصات محله‌ی چال میدان طبق نقشه‌ی ۱۲۷۵ قمری:

دروازه‌ها: دروازه‌ی دولاب در مشرق و دروازه‌ی شاه عبدالعظیم در منتهی الیه جنوب غربی، در مرز محله‌ی بازار، محله‌ی چال میدان را با بیرون شهر تهران مربوط می‌ساخت.

محله‌ها: در محله‌ی چال میدان، بر خلاف عودلاجان که دارای چندین محله است، فقط از یک محله نام برده شده که محله‌ی باغ پسته بیک است و در شمال شرق محله‌ی چال میدان، وصل به عودلاجان و حصارش شرقی شهر قرار داشته است. نام این محله هنوز هم در خیابان ری، حد فاصل کوچه‌ی دردار و خیابان بوذرجمهری باقی است.

گذارها: این محله دارای چندین گذار بوده است مانند گذار امامزاده یحیی، گذار حمام میرزا صالح، گذار حمام دوستعلی خان معیر، گذار سرپولک، گذار سینه چال، گذار حمام خانم، گذار عربها، گذار حمام فیروز و گذار دولاب.

کوچه‌ها: مهمترین کوچه‌های محله عبارت بودند: کوچه‌ی آقا کریم نایب، کوچه‌ی درب خانه‌ی فتحعلی خان، کوچه‌ی نصرالله خان نظام العللم، کوچه‌ی پهلوان شریف، کوچه‌ی حاجی ابراهیم،